



بررسی و تحلیل گونه‌های معماری اربابی روستایی دوره قاجار (مطالعه موردی: خانه و اصطبل اربابی مهری خانم قراگوزلو در ورکانه - همدان)^۱

محمدابراهیم زارعی^I

فاطمه بااعلی پور^{II}

(صص: ۱۷۵ - ۱۵۵)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۴

چکیده

از گونه‌های رایج معماری متأخر تاریخی ایران، بناهای مختلف اربابی هستند که نمونه‌هایی از آن‌ها در دوره قاجار ساخته شده و مورد توجه حاکمان شهرها و روستاهای محلی این دوره قرار گرفته بوده است. روستای ورکانه در دهستان الوند شرقی، از توابع بخش مرکزی شهر همدان به فاصله ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی و در درهٔ ارزانفود-ورکانه در منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد. ادارهٔ این روستا در دوره قاجار و پهلوی توسط «نقی خان و مهری خانم قراگوزلو» بوده است. از حضور خاندان قراگوزلوها در روستای ورکانه دو بنای تاریخی «خانهٔ اربابی» و «اصطبل پرورش اسب» با فاصلهٔ به ترتیب یک صد و پانصد متری، خارج از بافت روستا به جا مانده است در زمرهٔ بناهای حکومتی، به عنوان الگوهای منتخب دو گونهٔ متفاوت معماری درباری محلی و قابل قیاس با مجموعهٔ بناهای اربابی «قراول خانه» آق‌اولر در تالش است که مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت. هدف اصلی این نوشتار، شناخت الگوها و دگرگونی‌های ایجاد شده در معماری سنتی روستایی، برمبنای اندیشه‌ها و روش‌های تغییر شکل یافته در دو نوع بنای مختلف اربابی دوره قاجار و پس از آن است. بر این اساس، جستار پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی میدانی به معرفی، تجزیه و تحلیل سبک شناسانه و طبقه‌بندی عناصر معماری روستایی و تحولات اجتماعی تأثیرگذار در فرآیند شکل‌گیری معماری اربابی دوره قاجار در روستای ورکانه می‌پردازد. پرسش‌های این جستار: نخست، چه عواملی موجب قرارگیری این بناها در خارج از بافت روستا بوده است؟ دوم، این بناهای مورد مطالعه، چه نسبت از معماری منطقه تأثیر پذیرفته و تأثیرگذار بوده است؟ برآیند پژوهش نشان می‌دهد که براساس ویژگی‌های معماری، این دو بنا منفک از بافت روستای ورکانه و با تأثیرپذیری از معماری درباری و اروپایی مرسوم در دوره قاجار با مصالح بوم‌آورد ساخته شده‌اند که خانهٔ اربابی با نقشهٔ نیم چلیپایی و شیوهٔ برون‌گرا و اصطبل اسب با نقشهٔ مستطیل شکل متقارن ساخته شده است.

کلیدواژگان: معماری قاجار، ورکانه، خانهٔ اربابی، اصطبل.

مقدمه

معماری دوره قاجاریه را می‌توان تحت‌تأثیر دو عامل مهم بررسی و مطالعه کرد: ۱- عوامل داخلی؛ از آغاز سلطنت آقامحمدخان تا پایان سلطنت محمدشاه. در این دوره، نگاه حاکم بر معماری هم‌چنان نگاهی درون‌زا و بر مبنای سبک اصفهان و به کمال رساندن آن بوده است. ۲- عوامل بیرونی؛ از آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه تا پایان حکومت سلسله قاجار. در این دوره بر اثر مسافرت‌های ناصرالدین‌شاه و اخلاف او و همچنین اعزام عده‌ای از محصلین ایرانی به اروپا و تحت‌تأثیر قرار گرفتن هیأت حاکمه و نخبگان جامعه، سبکی در معماری آغاز می‌گردد که التقاطی از معماری بومی و معماری غربی (منظور عواملی است که از کشورهای اروپایی گرفته شده) است (ساریخانی، ۱۳۸۲: ۵۴). در دوره قاجار علاوه بر معماری مذهبی که پیروی از معماری دوره صفویه بوده است، معماری درباری (کاخ، عمارت و خانه) نیز عوامل معماری ایرانی و اروپایی را در هم می‌آمیزد که مهم‌ترین و شاخص‌ترین آن، معماری خانه‌های درباری و اربابی زیبا و مختلفی است که در این دوره به اوج زیبایی خود می‌رسد و یکی از رکن‌های اصیل معماری ایرانی را به نمایش گذارده است و از آن جمله می‌توان خانه بروجردی‌ها در کاشان، خانه لاری‌ها در یزد و... را نام برد. با این وصف در دوره قاجاریه شیوه جدیدی در معماری ایجاد شده که از آن می‌توان به‌عنوان شیوه معماری قاجاریه یاد کرد (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۳۴۸). از خصوصیات کلی معماری ایران و عناصر معماری که تا قبل از دوره قاجار رواج نداشته و از این دوره به بعد می‌توان در معماری بناهای درباری ایران مشاهده کرد، ویژگی‌ها و نوآوری‌هایی هستند که عبارتند از: معماری خیابانی، معماری خانه‌های مسکونی، معماری بادگیرها، معماری بناهای عمومی و... (ساریخانی، ۱۳۸۲: ۶۲-۵۶). همچنین از دیگر نوآوری‌ها، باید از خانه‌ها و عمارت‌های حکومتی با ورود عناصر جدید در تزئینات وابسته به معماری نام برد که دربرگیرنده کاشی‌کاری گل‌مگلی (قازمقازی)، کاشی‌کاری مِه‌ری، قواره‌بندی، نمای آجر کورمات، آجرهای تزئینی قالبی و تراش و به‌کار بردن قوس‌های هلالی و نیم‌دایره‌ای بوده است (همان: ۶۷).

از نمونه‌های شاخص و تحولات معماری درباری دوره قاجار، باید از آثار معماری اربابی (روستایی) خاندان قراگوزلو روستای ورکانه در همدان نام برد که در نوع خود از منحصر به فردترین آثار معماری این دوره در نوع بنا، شیوه ساخت و مصالح به‌کاررفته به‌شمار می‌آیند. «نقی خان قراگوزلو»، خان روستای ورکانه بوده که بعد از وی، دخترش «مهری خانم قراگوزلو» ارباب و حاکم روستا می‌شود. از حضور قراگوزلوها در روستای ورکانه دو اثر و بنای تاریخی «خانه قلعه اربابی» و «اصطبل پرورش اسب اربابی» به‌جا مانده است. خانه اربابی در فاصله صدمتری متعلق به دوره قاجار و «اصطبل پرورش اسب» و متعلق به دوره اواخر قاجار و اوایل پهلوی (؟) در فاصله ۵۰۰ متری غرب به‌صورت جدا و منفرد از بافت روستا قرار گرفته‌اند که از وجود روابط و تحولات اجتماعی ارباب-رعیتی روستایی در گذشته حکایت دارند.

پرسش‌های پژوهش: نخست، چه عواملی موجب قرارگیری این بناها در خارج از بافت روستا بوده است؟ دوم، بناهای مورد مطالعه مذکور، چه نسبت از معماری منطقه تأثیر پذیرفته و تأثیرگذار بوده است؟ با این پرسش‌ها، هدف پژوهش در این جستار مشخص می‌گردد که شناخت دگرگونی‌های ایجادشده در معماری سنتی درباری بر مبنای اندیشه‌ها و روش‌های تغییر شکل یافته در دوره قاجار است. بر این اساس تلاش شده به معرفی، تجزیه و تحلیل سبک شناسانه و طبقه‌بندی عناصر معماری دو بنای درباری ورکانه پرداخته شود. لذا دو سبک معماری سنتی، هم‌دوره و با کمی تأخیر ساخته شده‌اند، اما متفاوت از یکدیگر هستند. این دو بنای اربابی ورکانه، در مناطق کوهستانی شهر همدان به‌گونه‌ای مطابق و منطبق با آب‌وهوای سرد ساخته شده است. هریک از

این دو معماری، دارای ویژگی‌های هنری منحصر به فرد هستند و گویای بخشی از تاریخ و فرهنگ و هویت معماری گذشته سنتی دوره قاجار ایران می‌باشند. گویا حضور خاندان قراگوزلوها در روستای ورکانه و منطقه مذکور، به منظور استفاده بهینه از قابلیت‌های طبیعی مراتع کوهستانی به جهت پرورش اسب حکومت مرکزی بوده است.

روش پژوهش

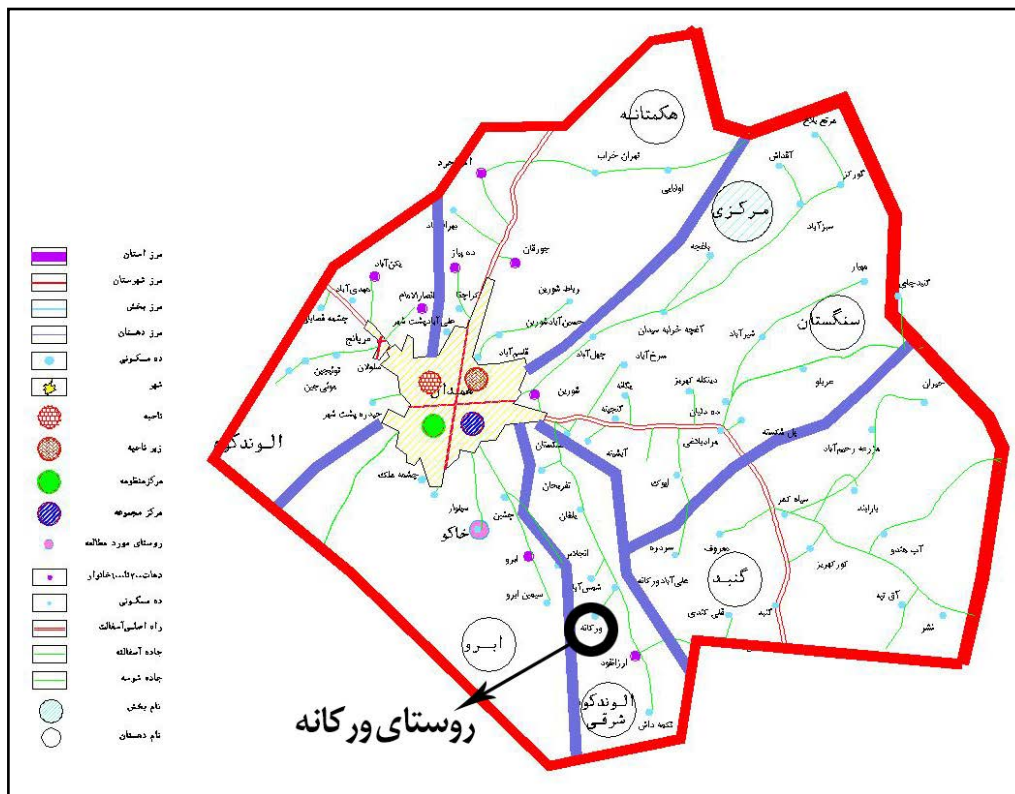
بر این اساس، جستار پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی میدانی به معرفی، تجزیه و تحلیل سبک‌شناسانه و طبقه‌بندی عناصر معماری روستایی و تحولات اجتماعی تأثیرگذار در فرآیند شکل‌گیری معماری اربابی دوره قاجار می‌پردازد و در جهت شناخت کالبد اصلی بناهای اربابی خاندان قراگوزلوی ورکانه، همراه با ثبت و مستندنگاری کامل مشاهدات میدانی و بررسی باستان‌شناسی که با نقشه برداری از عوارض و یافته‌های معماری موجود، همراه بوده، به واکاوی بناها با رهنمودهای آثاری مانند آشنایی با معماری مسکونی ایران (معماریان، ۱۳۷۱) پرداخته و همچنین در ادامه مسیر از کتب و گزارش‌های مرتبط نیز استفاده کرده است.

پیشینه پژوهش

در مرور پیشینه پژوهشی خاندان قراگوزلو در همدان، می‌توان به سلسله مطالعه‌های موشکافانه «پرویز اذکایی» (اذکایی، ۱۳۶۶؛ ۱۳۶۷ الف؛ ۱۳۶۷ ب و ۱۳۸۰) و همچنین بررسی آثار معماری این خاندان در همدان و مطالعه و معرفی خانه اربابی منسوب به قراگوزلوها در شهر همدان (محمدی، ۱۳۹۱؛ ۱۳۹۳) اشاره کرد. در مرور پیشینه پژوهشی روستای ورکانه باید اشاره داشت که این روستا، از جمله روستاهای دارای بافت تاریخی-فرهنگی و در زمره روستاهای هدف گردشگری «اداره کل میراث فرهنگی استان همدان» قرار دارد. همچنین در گزارش طرح هادی روستایی که از سوی «اداره بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان همدان» (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲: ۸۲-۱۴) تهیه شده و نیز در اثری دیگر، تحت عنوان راهنمای گردشگری روستاهای ایران (زنده دل، ۱۳۸۸: ۳۰۲-۳۰۱) به معرفی روستای ورکانه پرداخته شده است. با توجه به نکته مذکور، مجموعه اربابی خاندان قراگوزلو روستای ورکانه در این بین، به دلیل قرارگیری در حریم بافت بیرونی روستا و عدم توجهات در حفظ و احیاء و مطالعه‌ای روش‌مند، مهجور مانده (و حتی در پس بی توجهی‌ها، این دو بنا در معرض تخریب قرار دارند) و تنها به ثبت دو بنای خانه اربابی با نام «قلعه» و «اصطبل» اربابی مه‌ری خانم قراگوزلو در زمره آثار میراث فرهنگی بسنده شده و آنچه مسلم است، این است که تاکنون مطالعه دقیق و روش‌مند علمی-پژوهشی در باب حضور خاندان قراگوزلو در ورکانه و بناهای اربابی آن صورت نگرفته و تنها به معرفی بافت تاریخی روستای ورکانه اشاره شده است که پژوهش پیش رو از این منظر، پژوهشی نو خواهد بود.

موقعیت جغرافیایی روستای ورکانه و بناهای اربابی (خانه و اصطبل)

«دره آرزانفود - ورکانه» (دره قراگوزلوها/ دره آبشینه) در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی همدان واقع شده و از جمله دره‌های جنوب شرقی رشته‌کوه الوند است. این دره به دلیل قرار گرفتن در دامنه‌های میان‌کوهی کوهستان الوند از مناظر بسیار زیبایی برخوردار است که به جهت حضور گسترده اقوام قراگوزلوها و ارباب بودن خاندان مذکور در این ناحیه، به نام «دره قراگوزلوها» (سپه‌چشمان) نیز شناخته می‌شود. روستای ورکانه از توابع بخش مرکزی شهرستان همدان با مختصات جغرافیایی ۴۸ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی و ۳۴ درجه و ۴۱ دقیقه عرض شمالی و از دهستان الوند شرقی، از توابع بخش مرکزی شهرستان همدان، در فاصله خط مستقیم ۱۵ کیلومتری و از طریق راه دسترسی



تصویر ۱. موقعیت شهرستان همدان، دهستان‌ها و روستای ورکانه (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان همدان، ۱۳۹۳).

جادهٔ ملایر و راه آسفالت‌ه سد اکباتان به طرف روستای یلفان، در حدود ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی همدان در درهٔ مذکور واقع شده است (تصویر ۱). روستای ورکانه با ارتفاع ۲۲۵۰ متر از سطح دریا، در شیب و دامنهٔ کوه قرار دارد که از شمال شرقی در ۳ کیلومتری کوه سردره، از غرب به روستای سیمین، از جنوب غربی در ۳ کیلومتری کوه سرخ بلاغ، از شرق در ۴ کیلومتری کوه قره‌داغ و از جنوب و جنوب شرقی به دره بارانی و دره قشلاق محدود می‌شود که دارای آب و هوای معتدل سرد کوهستانی است (تصویر ۲). وجود دره‌های فراوان از جمله دره‌های زیبای دره‌خان، تخته‌سنگ، جن دره و سه بلاغ در مجاورت روستا، بر ویژگی‌های طبیعی و چشم‌انداز روستا افزوده و شیب عمومی این منطقه موجب شکل‌گیری رودخانه‌های فصلی شده است. رودخانه‌های فصلی ورکانه از ارتفاعات یخچال‌های طبیعی الوند سرچشمه گرفته و بعد از عبور از اراضی سیمین-ورکانه به رودخانهٔ فصلی دارستان (ارزانفود) پیوسته و بعد از عبور از ارتفاعات روستای ارزانفود، از غرب روستاهای ورکانه، علی‌آباد، شمس‌آباد و یلفان عبور کرده و در ادامه به سد اکباتان می‌ریزد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان همدان، ۱۳۸۲: ۴۲)، (تصاویر ۱ و ۲).

در رابطه با وجه تسمیهٔ ورکانه، به جهت قرارگیری این روستا در کنار چشمه و رود به این نام خوانده شده است؛ زیرا در زبان کردی «کانه» یعنی «چشمه» که این نکته با واقعیت و نام این روستا ارتباط بیشتری دارد. در زبان کردی «وَر» به معنی کنار و «کانه» به معنی «چشمه» است و «ورکانه» نیز به معنی «قرار گرفتن در کنار آب و چشمه» است. همچنین معادن سنگ در پیرامون روستا به وفور دیده می‌شود، به همین دلیل در خصوص وجه تسمیه روستا، «ورکانه» را معادل محلی که در نزدیکی معدن یا «وَرکان» است نیز آورده‌اند. روستای ورکانه، قدمتی نسبتاً طولانی دارد و سابقهٔ تاریخی آن به اوایل دورهٔ صفویه (حدود ۴۰۰ سال پیش) و به حضور زنگنه‌ها و سپس



تصویر ۲. تصویر هوایی شهر همدان و نمایش موقعیت دره ارزانفود-ورکانه و موقعیت روستای ورکانه در آن، در دامنه جنوب شرقی رشته کوه الوند (Google Earth 2015).

قراگوزلوها می‌رسد. گویش روستای ورکانه را باید از منشأ و ریشه حضور اقوام مختلف و در زبان‌های لری و کردی بررسی نمود؛ از آنجایی که در سالیان بسیار دور اقوامی از ایل‌های مختلف لرستان و کردستان به این روستا مهاجرت نموده‌اند؛ زبان‌های کردی، لری و همچنین به لحاظ نزدیکی به همدان، فارسی در این روستا ریشه و منشأ دارند که پس از آمیختگی این اقوام با فرهنگ و گویش خود، در حال حاضر فارسی با لهجه خاصی در بین اهالی تکلم می‌شود. براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ ش. روستای ورکانه ۹۶۰ نفر جمعیت داشته و در سرشماری سال ۱۳۸۵ ش.، به جمعیتی بالغ بر ۲۰۰۰ نفر افزایش یافته است. روستای کوهستانی ورکانه بافت مسکونی متمرکز دارد و کوچه‌باغ‌های پیچ‌درپیچ، خانه‌های قدیمی با پنجره‌های کوچک و مشبک چوبی، معماری سنتی زیبایی را به نمایش گذاشته و فضاهای کاربردی و معماری روستا در پاسخ‌گویی به نیازهای معیشتی و نوع فعالیت‌های خانوار و جامعه روستایی (که زارع و دامدار هستند) شکل گرفته است (تصویر ۳). زمین‌های زراعی روستای ورکانه از نظر کشاورزی به لحاظ وجود سفره‌های آب زیرزمینی از جمله مناطق مستعد منطقه به شمار می‌روند (زنده‌دل، ۱۳۸۸: ۳۰۱).

بافت و معماری روستا: روستای ورکانه به لحاظ استفاده از مصالح بومی و محلی، به خصوص مصالح سنگی، منحصر به فرد بوده و بافت روستا دارای معماری سنگی (سنگ‌هایی به رنگ سیاه) است. کاربرد سنگ به عنوان یکی از مصالح معمول در چهره بناهای روستا خودنمایی می‌کند. کاربرد سنگ در کالبد و نقاط مختلف بناها، از جمله در ساخت دیوارهای اصلی و دیوارهای حیاط‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. در بین سنگ‌ها از ملاط گِل استفاده شده و پهنای دیوارهای سنگی، گاهی در طبقه همکف به یک متر می‌رسد. تنها عامل اتصال در دیوارهای سنگی، استفاده از تیرهای چوبی است (تصویر ۴). به نظر می‌رسد کاربرد سنگ در روستا، به دلیل فراوانی آن در منطقه (مصالح بوم‌آورد) و سختی و مقاومت آن در برابر تغییرات جوی بوده است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان همدان، ۱۳۸۲: ۵۳-۵۰). مراتع پیرامونی روستا از دیرباز به عنوان بیلاق عشایر سایر استان‌ها به خصوص ایلام و لرستان و کردستان بوده است. ایل «ترکاشوند» در اوایل اردیبهشت ماه از نواحی پل دختر در لرستان و بخشی از استان ایلام کوچ نموده و وارد نواحی بیلاقی شهرستان همدان به خصوص ورکانه، ارزانفود، خاکو و... می‌شوند. مدت استقرار این ایل ۴ الی ۶ ماه بوده و مسیر

آن‌ها همدان-لرستان است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۰: ۱۲۸). همچنین روستای ورکانه در مسیر کوچ طوایف «قزل یوسف یارم تاقلو» و «ورکانی» قرار دارد که هر سال از اواسط آبان، کوچ خود را آغاز می‌کنند (آقامحمدی و شرفی، ۱۳۹۰: ۳۰). این طوایف براساس سنت‌های قدیمی و شیوه معیشتی خود، برای یافتن مراتع تازه، کوه‌ها و دره‌های بسیاری را پشت سر می‌گذارند و در نقاط مناسب، اطراق می‌کنند. عشایر پس از پایان فصل اعتدال، به قشلاق بازمی‌گردند و در اثر همین بیلاق-قشلاق‌های اقوامی، از این ایلات در روستا، با توجه به عوامل مهمی چون منابع غنی آبی، اراضی مناسب کشاورزی و مراتع به صورت یک‌جانشین، ساکن شده‌اند (زنده‌دل، ۱۳۸۸: ۳۰۳-۳۰۲).

روستای ورکانه مجموعه‌ای از سه محله است که هر یک نیز از تعدادی واحد مسکونی تشکیل شده‌اند. در محله «درب مسجد» که قدیمی‌ترین محله روستا نیز به‌شمار می‌رود، مسجد و حمام قرار دارد. کف هر یک از کوچه‌های روستای ورکانه با سنگ‌فرش پوشش داده شده است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان همدان، ۱۳۸۲: ۵۳-۵۰). خانه‌های قدیمی روستا با استفاده از مصالح بومی سنگ، چوب، خشت و گل ساخته شده‌اند و به دلیل سرمای سخت زمستانی و کوهپایه‌ای روستا، دیوارهای ضخیمی دارند. سقف اکثر خانه‌های روستا مسطح است و با تیرهای چوبی پوشیده شده‌اند. همچنین جهت خانه‌ها به دلیل استفاده حداکثری از نور آفتاب رو به جنوب هستند، اما در بافت جدید روستا رنگ‌باختگی معماری سنتی آن کاملاً مشهود است و با استفاده از الگوی معماری جدید و مصالح نو، مناظر چشم‌نواز خانه‌های سنگی دچار چالش شده است (زنده‌دل، ۱۳۸۸: ۳۰۲-۳۰۱)، (تصویر ۴). هسته اولیه روستا در پیرامون یک رشته قنات (جنوب و مرکز روستا) تشکیل شده و سپس در سه مرحله گسترش یافته است؛ مرحله اول توسعه در پیرامون هسته اولیه (بافت قدیم با معابر تنگ و باریک) خصوصاً با گرایش گسترش به سمت جنوب شرقی و در قسمت‌هایی مشرف به اراضی کشاورزی صورت گرفته، و در مرحله دوم با توجه به محدودیت توسعه به سمت جنوب، توسعه به سمت شمال و شمال شرق و ورودی روستا مورد توجه واقع شده و در مرحله آخر (سوم) توسعه به سمت غرب و شمال غرب، به عنوان آخرین توسعه‌های روستا بوده که در این مرحله، مالکیت ارضی به شدت تأثیر گذاشته و در بخشی از مزارع و باغات واحدهای



تصویر ۳. نقشه روستای ورکانه به همراه اراضی و بافت آثار آن (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، بی تا: ۲۵).

مسکونی تبدیل به ساختمان شده است. شکل‌گیری و توسعه فیزیکی سکونتگاه‌های روستایی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله منابع آبی، شیب و توپوگرافی زمین، ارتباطات زمینی (جاده‌ها) و همچنین مالکیت اراضی قرار دارد. هسته اولیه روستا نیز در ارتباط با قدمت ساختمان‌ها و برخی از عناصر و کاربری‌های عمومی، به خصوص حمام و مسجد شناخته می‌شوند. بافت قدیمی روستا دارای درهم‌تنیدگی بوده و در بعضی از فضاها بافت به‌گونه‌ای است که واحدهای مسکونی در طبقه دوم از روی معبر یکدیگر عبور کرده و به هم متصل شده و تشکیل دالان (در معبر) داده‌اند. این عوامل باعث ایجاد محدودیت بصری شده و در فضای خاصی از معبر به صورت قاب درآمده است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان همدان، ۱۳۸۲: ۴۵-۴۴)، (تصویر ۴).



تصویر ۴. نمونه‌هایی از معماری و نوع سازه خانه‌های موجود در روستای ورکانه (عکس از: ایمان حامی‌خواه، ۱۳۹۴).

حضور خاندان قراگوزلو در همدان و روستای ورکانه

کلمه «قراگوزلو» مشهور در میان مردم و خود خاندان قراگوزلو با «گاف» است که به معنای «چشم سیاه» و کلمه ترکی است، نه با «کاف» که اسم یکی از نمایش‌ها و بازی‌ها است که امروزه هم در ترکیه رواج دارد (صابری همدانی، ۱۳۸۲: ۱۴۳؛ چایانی، ۱۳۹۰: ۷۹). واژه «قراگوزلو» که پس از تغییر حروف عربی به لاتین در ترکیه، مردم آن را به تبعیت از فرهنگ جدیدشان «کاراکوز» می‌گویند، یک نوع بازی نمایشی است که با دو عکس سیاه به صورت دو مرد پیر و نوعاً به شکل و صورت کولی‌ها است که مردم ترکیه به آن «چنکانه» می‌گویند که مکالمه دو نفر است، یکی به نام «کراکوز» و دیگری به نام «حاج احمد» برنامه را اجرا می‌کنند و حتی این نمایش به صورت مثل در فرهنگ عثمانی‌ها درآمده و می‌گویند «اجهل من قره‌کوز». در زمان «سلطان بایزید دوم» که در سال ۸۲۴ هـ. ق. به سلطنت رسید، دو نفر از پاشاهای عثمانی ملقب به «قره‌کوز پاشا» بوده است که در قسمت آناتولی ترکیه ملقب «بلکربیکی» (خان خانان) داشته‌اند. «قره‌کوز پاشا» به حمایت از «شاه اسماعیل صفوی» قیام کرد و اسمش را «شاه‌قلی» گذاشت و بدان اسم شهرت یافت و ترکان عثمانی او را «شیطان‌قلی» می‌گفتند و بلاخره اعدام شد. دوم «قره‌کوز والی قره‌مان» که پس از فعالیت‌ها و حرکت‌ها در سال ۸۹۴ هـ. ق. در استانبول اعدام شد (صابری همدانی، ۱۳۸۲: ۱۴۳؛ چایانی، ۱۳۹۰: ۸۰). «قراگوزلو» واژه ترکی است «یعنی: سیاه‌چشم» زیرا «لو» به معنی «طایفه» و از آدات نسبت هم هست (قراگوزلو، ۱۳۸۸: ۲۹۰).

در یک نگاه جامع، تیره «قراگوزلو» = «سیه‌چشمان» که با مسما تر است که خوانین ایشان را قراگوبین‌لو (/قراقویونلو) = تیره‌دلان خواند؛ از طوایف ترک زبان همدان بوده و پیشینه تاریخی آنان دست‌کم تا اوایل حکومت «صفوی» فرا می‌رود و بومگاه قبلی آنان «شام» بوده است. این طایفه «قزلباشی» پس از کشته شدن «نادرشاه» (۱۱۶۰ ق.) «سرفرازبیک خدابنده‌لو» را که در همدان سر به شورش برداشته بود، از میان بردند و هنگام پیدایی «کریم‌خان زند» بدو پیوستند. در آغاز کشورگشایی «آقامحمدخان قاجار» سخت نسبت به وی اظهار انقیاد نموده و با او متحد شدند و او را در براندازی خاندان زند (جعفرخان و لطفعلی‌خان) و برپایی دولت «قاجار» یاری‌ها کردند. پس از درگذشت آقا (آغا) محمدخان قاجار (۱۲۱۲ ق.) هم تقریباً همه خوانین قراگوزلو در خدمت شاهزاده «محمدعلی میرزا» نایب ایالات فارس، مأمور انتظام آن سامان شدند (قراگوزلو، ۱۳۸۸: ۲۹۱).

خاندان قراگوزلو، حدود دو قرن صاحب منصب و مقام در نواحی همدان بوده‌اند (قراگوزلو، ۱۳۸۸: ۲۸۵). کامل‌ترین شرح حال و اوضاع سیاسی خاندان قراگوزلو در زمان حیات سیاسی مهم‌ترین خوانین این خاندان، از آن «عین‌السلطنه» است (خاطرات قهرمان میرزا عین‌السلطنه (سالور)، ۱۳۲۴-۱۲۵۰ هـ. ش.). او که خود زاده همدان بوده، به عنوان مالک کوریجان، سال‌ها در این ناحیه حضور داشته و با خوانین قراگوزلو مراداتی داشته است؛ که به اجمال، به نسب‌شناسی و حضور خاندان قراگوزلو در جای‌جای همدان پرداخته و شرحی جامع از اقدامات، بناها و ارتباطات سیاسی این خاندان بزرگ با دربار قاجار و پهلوی را ارائه داده است (سالور و افشار، ۱۳۷۴)؛ همچنین، پرویز اذکایی در کتاب: *همدان نامه*، در پاره‌ای از گفتارهای خود، اشاراتی به خاندان قراگوزلو و حضور و اقدامات صاحب‌منصبان این اقوام در همدان، کرده است (اذکایی، ۱۳۸۰: ۹۶، ۱۲۹، ۱۸۵، ۳۲۱، ۳۸۱ و ۳۹۷). عین‌السلطنه، نسب‌شناسی و ماهیت خوانین همدان و خاندان قراگوزلوها را در ۳ شاخه معرفی می‌کند (۱۳۲۴-۱۲۵۰ هـ. ش. در: سالور و افشار، ۱۳۷۴)؛ اما اذکایی، خوانین قراگوزلو را به ۳ شاخه و سردودمان اصلی و در ۶ خوانین دسته‌بندی کرده است (اذکایی، ۱۳۶۶: الف؛ ۱۳۶۷ ب).

ناحیه همدان در دوره زندیه در دست و قلمرو امیران آن خاندان بود؛ [در همین وانفسا] و از اواخر همین دوره، طایفه‌گری «قراگوزلوها» در عرصه سپاهیگری و سیاسترانی با اعمال تنفذ به امور شهر، تحولات جدیدی در این ناحیه آغاز کرد؛ حضور این طایفه ترکمانی در صحنه سیاسی-نظامی

ایران با ظهور «آقامحمدخان» قاجار و سپس «فتحعلی‌شاه»، پُررنگ‌تر شده و به اوج خود می‌رسد. قراگزلوها با خاندان‌های وابسته به «زندیان» در همدان که یکی از مهم‌ترین آن‌ها خاندان زنگنه بود، هم‌زیستی، رقابت و پیوند عمیق داشته‌اند؛ پس از ظهور دولت قاجار و اقتدار ایل ترکمان قراگزلو(ی) همدان که در اعتلا و استقلال دولت مزبور سهم بسیار مهمی ایفا کردند، -قلمرو «همدان» و زمامداری آن- به دست خاندان و خوانین قراگزلو افتاد. آقامحمدخان قاجار به سال ۱۲۰۵ ق.، همدان را تسخیر و قلعه قدیمی واقع بر تپه مصلی را ویران کرد. رونق تجارتنی شهر طی عصر قاجاریه (سده ۱۳ ق.) حسب موقعیت آنجا تا حد زیادی بازگشت، اما اهالی مورد ستم و آزار خوانین قراگزلو قرار گرفتند، چندان که پیایی، نهضت‌های مردمی در آنجا پدید می‌آمد (اذکایی، ۱۳۸۰: ۹۶ و ۱۲۵).

با توجه به نکات یاد شده و گفته سالارالسلطنه، هریک از ناحیه‌های همدان (با رسم تیولستانی) به عنوان پایتخت و مایملک خاندان و خوانین شش‌گانه قراگزلوها بوده است، که مایملک و صاحبان هریک از این ناحیه‌ها عبارتند از: ناحیه همدان (شامل: شهر همدان، آبشینه، سنگستان، فقیره، شورین و...) در اختیار و قلمرو شاخه بهاءالملک‌های همدان (شامل: بهاءالملک‌ها، ضیاءالملک‌ها و سنگستانی‌ها)؛ ناحیه شورین (شورین و روستاهای اطراف آن تا لالجین) با مرکزیت «شورین» در قلمرو امیرافخم شورینی و فرزندان‌ش؛ دهستان سیمینه رود / بهار و آبادی آن‌ها، پاره‌ای از املاک وسیع خاندان مشهور ناصرالملک همدانی (نایب‌السلطنه) قراگزلو؛ دره قراگزلوها (دره ارزانفود-ورکانه) با مرکزیت روستای «ورکانه» قلمرو نقی‌خان قراگزلو که بعد از وی، دخترش مهری‌خانم قراگزلو اداره روستا را برعهده می‌گیرد؛ ناحیه کبودراهنگ (حاجیلو) با مرکزیت «لتگاه» و «داق‌داق‌آباد» قلمرو و در اختیار عبدالله‌خان امیرنظام و فرزندان وی بوده و روستاها و آبادی‌های آن نیز جزو مایملک او به حساب می‌آمده است؛ ناحیه رزن در قلمرو سرهنگ حاج باقرخان، خلیل‌خان، علی اصغرخان و عزیزالله‌خان قراگزلو در نواحی قروه، وهنده، نیّر و پُشتجین بوده است. در ادامه به تشریح بناهای به‌جامانده در ورکانه پرداخته می‌شود.

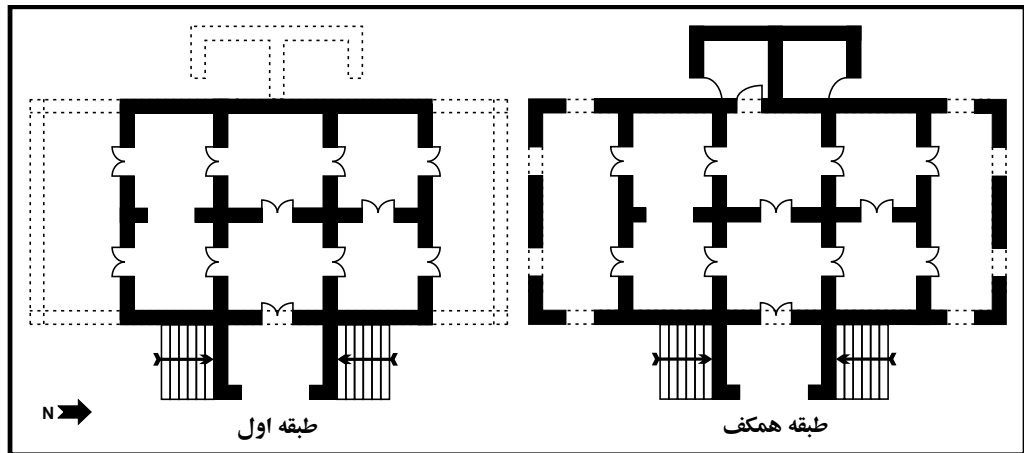
خانه (قلعه) اربابی ورکانه

خانه اربابی ورکانه در حدود فاصله ۱۰۰ متری و در ضلع جنوبی روستا در بستر سبز کوهپایه‌ای مشرف بر حاشیه رودخانه و چشمه فصلی واقع شده (تصویر ۳) و متعلق به اواخر دوره قاجار است. این بنا یک ساختمان دو اشکوبه‌ای با نقشه نیم چلیپایی (تصویر ۵) مربوط به خاندان قراگزلو (مهری‌خانم)، ارباب روستا بوده است که در حال حاضر به دلیل عدم استفاده و رها شدن آن، مخروبه‌ای بیش نیست (تصویر ۶). با دقت در دیواره‌های مخروبه و پی‌های به‌جامانده، می‌توان نقشه ساختمان را ترسیم کرد (تصویر ۵). این بنا با ابعاد ۱۳×۲۰ و با زیربنای کل ۳۲۰ متر را دربر دارد، البته طبقه اول کمی کوچک‌تر از طبقه همکف و در قسمت مرکزی بنا ایجاد شده است. ورودی بنا از طبقه همکف به طبقه اول از ضلع شرقی بنا با دو پله دو طرفه از طرفین صورت می‌گرفته است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲: ۸۰). فضاهای معماری بنا در مجموع، در طبقه همکف از ۸ و در طبقه اول با ۶ فضای مستقل تشکیل شده است که شامل اتاق (اتاق‌های زمستان نشین و تابستان نشین)، ایوان (پیشخوان)، تالار (به صورت جانبی)، دالان، راه‌پله و بالکن (در طبقه اول) هستند که در ارتباطی تودرتو و در طول و عرض بنا قرار گرفته‌اند. این اتاق‌ها معمولاً دارای چند عملکرد و کاربرد بوده‌اند؛ خواب، نشیمن، غذاخوری و... . اتاق‌های متصل به ایوان کاربردی تابستان نشین و اتاق‌های اندرونی کاربردی زمستان نشین و دارای اجاق‌های مختلف در دیواره‌ها بوده‌اند؛ در داخل اتاق‌ها، تاقچه‌های متعددی جهت قرارگیری اشیاء و لوازم تعبیه شده است. پله یکی از مهم‌ترین عناصر ارتباطی طبقه همکف و اول در خانه اربابی به‌شمار آمده است. این راه‌پله از گونه راه‌پله‌های

بیرونی در نمای اصلی بنا، ترکیبی زیبا به وجود آورده است. ایوان علاوه بر آنکه فضای باز بیرون و فضای بسته درون است، در فصل گرما به عنوان محلی برای نشستن مورد استفاده قرار می‌گرفته است. «یکی دیگر از عملکردهای ایوان در بناهای چند اتاقی، ارتباط دادن اتاق‌ها با هم می‌باشد، به همین دلیل اتاق‌ها معمولاً به صورت مستطیل کشیده هستند» (معماریان، ۱۳۷۹: ۱۲۳) که از این خصیصه در بنای خانه اربابی ورکانه استفاده شده است. در خانه مذکور گسترش به دو بخش صورت پذیرفته است؛ نخست در عرض و دوم در ارتفاع؛ در این گسترش تالار، اتاق مرکزی و اتاق‌های جانبی و ایوان، نقش اساسی را شکل داده‌اند، همچنین راه پله به عنوان عنصر مهم ارتباط‌دهنده در طبقه همکف به طبقه اول که گسترش ارتفاع را دربر دارد، جایگاه ویژه‌ای را ایفا کرده و در گسترش آن نقش اصلی را داشته است. بزرگ‌ترین بخش بنا در طبقه همکف به دو تالار جانبی در سمت چپ (درجهت جنوبی) و راست (درجهت شمالی) اختصاص یافته که اتاق‌های میانی و مرکزی را احاطه کرده است؛ در طبقه اول تنها با یک تالار در بخش جنوبی بنا به صورت مستطیل شکل، بزرگ‌ترین فضا را به خود اختصاص داده است، ایوان به صورت پیشخوان جلوی بنا قرار دارد و ارتباط‌دهنده به فضاهای دیگر در طبقه اول و دوم است (تصویر ۵).

ترکیب و هماهنگی در استفاده از مصالح و شکل دادن آن به صورت استخوان‌بندی اصلی کالبدی بنا و فضاهای مختلف در خانه اربابی ورکانه خودنمایی می‌کند. سنگ، سنگ‌لاشه و سنگ مالون از انواع مصالح متعارف به‌کاررفته در این بناست. عنصر سنگ نه تنها در این بنا، بلکه به عنوان اصلی‌ترین مصالح در ابنیه‌های روستای ورکانه به دلیل سختی و مقاومت آن در برابر تغییرات جوی و همچنین کمبود آجر و خشت در منطقه، همواره مورد توجه بوده است. سنگ‌لاشه‌های به‌کاررفته در ساخت این بنا اکثراً به شکل مالون است و شکل و ابعاد مشخصی ندارند، ولی غالباً در رگه‌های نسبتاً موازی قرار گرفته‌اند. قطعه سنگ‌ها به شکل مکعب در ابعاد ۲۰ تا ۵۰ سانتی‌متر تراشیده شده و مانند آجر در ساخت دیوارها به‌کار برده شده‌اند. این سنگ‌ها، در اصطلاح محلی به سنگ‌های «فولاد» نیز معروف‌اند. به‌کارگیری انواع مصالح در بنای اربابی ورکانه، ارتباط مستقیم با مواد و مصالح موجود منطقه و روستا داشته است. وجود سنگ و چوب در روستا باعث شده که از این دو ماده در کالبد بنا بیشترین استفاده شود. ویژگی ذاتی سنگ، سهولت دسترسی به معادن و کارپذیری و مقاومت در برابر سرما و نفوذناپذیری، در انتخاب آن مؤثر بوده و همچنین چوب نیز به دلیل سبکی و سهولت دسترسی، در سقف بنا استفاده می‌شده است. سقف با ترکیبی از تیرک‌های چوبی مدور که روی آن را با حصیر، چوب‌های نازک و لایه‌ای از کاهگل پوشش داده‌اند، ساخته شده است. از تیرها در سقف به حالت بیرون‌زدگی استفاده شده تا ایستایی و مقاومت آن را بالا ببرند. بنا در نمای بیرونی فاقد هرگونه تزئین و به صورت ساده سنگی و دارای قوس‌های نیم‌دایره‌ای (رومی‌وار) در ورودی‌ها و پنجره‌ها (تصاویر ۶ تا ۱۰) مورد استفاده قرار گرفته است، اما نمای داخلی بنا با پوشش گچ پوشیده شده است (تصویر ۶ و ۹).

خانه اربابی ورکانه با توجه به قرارگیری آن در فضای باغ، فاقد حیاط و حصار بوده و به لحاظ شیوه معماری در زمره گونه‌های معماری برون‌گرا قرار دارد. «معماری برون‌گرا»، به معماری بناهایی اطلاق می‌شود که با فضای بیرونی خود، در ارتباط مستقیم بوده و فضاهای داخلی آن‌ها نیز همین ارتباط را با فضای بیرونی دارند. این نوع بناها، هم در قالب معماری عمومی و بیشتر در مقابر، مساجد، امام‌زاده‌ها و مانند آن، و هم در قالب معماری مسکونی، در نقاط مختلف ایران ساخته شده‌اند و تفاوت بارزی با سایر بناهای دیگر [درون‌گرا]، در عنصری به نام «حیاط» دارند. حیاط در معماری -اصطلاحاً درون‌گرا-، علاوه بر عملکردهای ارتباطی و انسجام دادن به فضاهای مختلف، فضای باز بیرون را به داخل آورده و اغلب فضاهای داخلی به آن باز می‌شوند و بدین ترتیب، خانه ارتباط کمی با بیرون خود پیدا می‌کند. این امور عملکردی و ارتباطی، در



تصویر ۵. نقشه خانه اربابی روستای ورکانه (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲: ۸۷؛ با اصلاحات نگارندگان).



تصویر ۶. نمایی از بقایای خانه اربابی ورکانه (نمای اصلی بنا، ضلع شرقی)، (عکس از: محمد بلالی، ۱۳۹۴).



تصویر ۷. نمایی از بقایای خانه اربابی ورکانه (نمای پشت بنا)، (عکس از: محمد بلالی، ۱۳۹۴).



تصویر ۸. نمایی از بقایای خانه اربابی ورکانه (نمای جانبی بنا)، (عکس از: محمد بلالی، ۱۳۹۴).



تصویر ۹. نمایی از بقایای فضای داخلی با پوشش گچ، خانه اربابی ورکانه (نمای جانبی بنا)، (عکس از: ایمان حامی خواه، ۱۳۹۴).

خانه‌های برون‌گرا به عناصر مختلف دیگری واگذار شده است (معماریان، ۱۳۷۱: د). از ویژگی‌های بارز خانه اربابی ورکانه، ارتباط مستقیم بنا با فضای بیرونی خانه است؛ چراکه ترکیب زیبای اتاق‌ها با تورفتگی و بیرون‌زدگی و پیشگاه و بالکن طبقه دوم در نمای بنا خودنمایی می‌کند و بنا فاقد حیاط است و ارتباط مستقیم با فضای باغ داشته و نقش اصلی بنا را فضای محیطی و بیرونی و بنایی با ویژگی‌های تابستان‌نشین ایفا کرده است. در تحلیل فضای بنا، موقعیت طبیعی و فضای باغ، نیاز ساخت حیاطی بسته در این بنا را از سازندگان آن سلب کرده است، بنابراین تمام ویژگی‌ها، بنا را از نوع بناهای برون‌گرا القا کرده است؛ این دلیل را می‌توان به

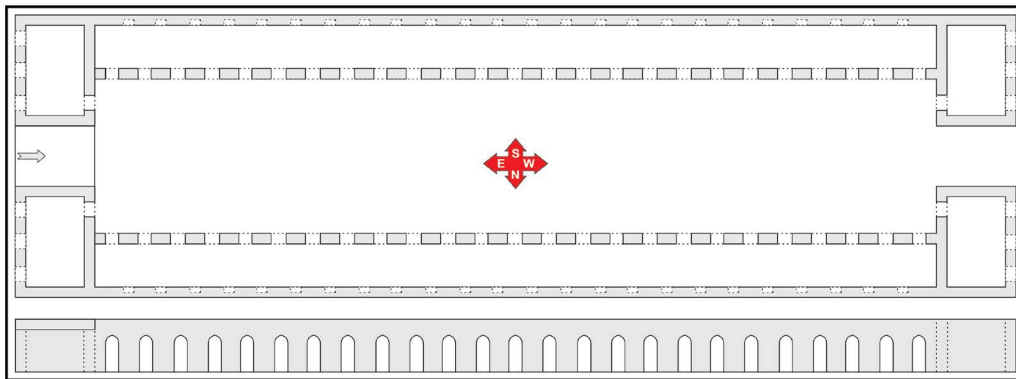


تصویر ۱۰. نمایی از درگاه اصلی و پنجره‌هایی خانه اربابی ورکانه (عکس از: محمد بلالی، ۱۳۹۴).

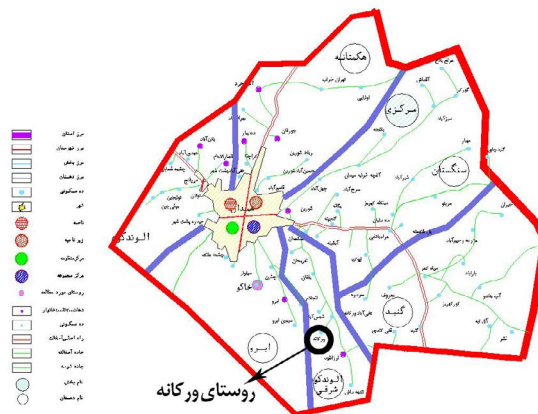
موقعیت سوق الجیشی بنا نسبت داد که در یک منطقه کوهستانی، معبری امن برای ساکنین آن به وجود آورده است؛ خصیصه‌ای که هنوز هم در بسیاری از نقاط کوهستانی استان همدان و سایر نقاط ایران به چشم می‌خورد.

اصطبل اربابی ورکانه

بعد از آنکه مه‌ری خانم قراگوزلو به عنوان ارباب روستا منسوب می‌شود، اصطبل در ۲ کیلومتری جنوب روستا با حمایت و توسط «انجمن سلطنتی» جهت نگهداری از اسب‌های دربار در فصول بهار و تابستان احداث می‌کند. اصطبل سلطنتی از مهم‌ترین عناصر تاریخی بافت روستای ورکانه به حساب می‌آید که در اواخر دوره قاجار ساخته شده است. این بنا به صورت منفصل، جزء ساختار بافت روستای ورکانه محسوب می‌شود. بنا دارای طول و عرض ۲۲×۷۲ متر و با زیربنای کل ۱۵۸۴ مترمربع (تصویر ۱۱) در فاصله حدود ۴۰۰ متری ضلع غربی خانه اربابی و در حدود ۵۰۰ متری آخرین خانه امروزی روستا در ضلع جنوب غربی واقع شده است (تصویر ۳). در واقع اصطبل اسب به صورت هوشمندانه در بستر سبز کوهپایه‌ای در حاشیه رودخانه فصلی واقع شده و ضلع غربی بنا به یک دره میان کوهی بن بست منتهی می‌گردد که فضای امنی برای ورود و خروج آن ایجاد کرده است (تصاویر ۱۲ تا ۱۴). این بنا دارای یک حیاط مرکزی است (تصویر ۱۴) که دو طرف حیاط، فضای نگهداری اسب بوده و دو ضلع دیگر، ورودی-خروجی (در ضلع‌های شرقی و غربی) و انبار علوفه و نگهداری تعبیه شده است (تصاویر ۱۱، ۱۵ و ۱۶). کل ساختمان از مصالح بنایی بومی منطقه نظیر سنگ لاشه و ملات گل با پوشش سقف تیر چوبی به صورت عرضی و با فاصله تقریبی محور تا محور ۶۰ تا ۵۰ سانتی‌متر از یکدیگر، در طول دهانه چیده شده‌اند و در برخی موارد از آجر (مانند قوس‌ها) استفاده شده است. فضای نگهداری از اسب‌ها در دو جبهه حیاط و هر جبهه دارای ۲۵ دهانه با قوس‌های جناغی و عرض هریک از دهانه‌ها ۱٫۵ متر بوده و در داخل کف به صورت سنگ فرش و دارای آخور با قوس‌های بیضی شکل جهت بستن اسب‌ها ساخته شده است (تصاویر ۱۱ و ۱۷). ورودی اصلی اصطبل از ضلع شمال شرقی بناست که با یک ایوان نیم‌دایره‌ای (رومی‌وار) پوشیده است (تصویر ۱۵). بنای مذکور در معرض تخریب قرار دارد و اقداماتی جهت حفاظت و نگهداری از بنا هرگز صورت نگرفته و در نتیجه چرخه حیات بنا متوقف گردیده است. عوامل محیطی، چه طبیعی و چه انسانی، توانسته به بنا آسیب وارد سازد و آن را غیرقابل استفاده کند. اصطبل ورکانه در نوع خود در زمره منحصر به فردترین بناهای اواخر دوره قاجار و پهلوی قرار دارد که شاید به جرأت بتوان ادعان داشت که در نوع خود بی‌همتاست و در حال حاضر مشابه آن وجود ندارد یا اینکه از بین رفته است.



تصویر ۱۱. نقشه اصطبل اربابی روستای ورکانه (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲: ۸۶؛ با اصلاحات نگارندگان).



تصویر ۱۲. نمای کلی از دره و اصطبل اربابی ورکانه (دید از شمال شرق)، (عکس از: محمد بلالی، ۱۳۹۴).



تصویر ۱۳. نمای جانبی اصطبل اربابی ورکانه (دید از شمال)، (عکس از: محمد بلالی، ۱۳۹۴).

وجه اشتراک و افتراق در معماری مجموعه بناهای اربابی دوره قاجار

مجموعه معماری اربابی ورکانه، قابل قیاس با مجموعه معماری‌های اربابی مرسوم در دوره قاجار است که از نظر نوع ویژگی‌های معماری (نقشه و مصالح)، مکان قرارگیری منطقه‌ای و نوع معماری حاکمیتی روستایی (ارباب‌رعیتی)، مشابه یکدیگر بوده و در جهت بهره‌مندی از قابلیت‌های منطقه‌ای روستایی و استفاده از مراتع طبیعی بکر و تولیدات کشاورزی، همچنین در جهت تأمین نیازهای حاکمیتی حکومت مرکزی و نیز کنترل و نظارت هرچه بهتر بر مناطق حاشیه‌ای مورد توجه بوده است.



تصویر ۱۴. نمای داخل حیاط و در خروجی و به سمت درهٔ میان‌کوهی اصطبل اربابی ورکانه (دید از شرق)، (عکس از: محمد بلالی، ۱۳۹۴).



تصویر ۱۵. نمای در اصلی ورودی اصطبل اربابی ورکانه (دید از شرق)، (عکس از: ایمان حامی خواه، ۱۳۹۴).



تصویر ۱۶. نمای در پشتی اصطبل اربابی ورکانه (دید از غرب)، (عکس از: محمد بلالی، ۱۳۹۴).



تصویر ۱۷. نمای فضای داخلی ضلع شمالی (آخورها و محل بستن اسب) اصطبل اربابی ورکانه (عکس از: ایمان حامی خواه، ۱۳۹۴).

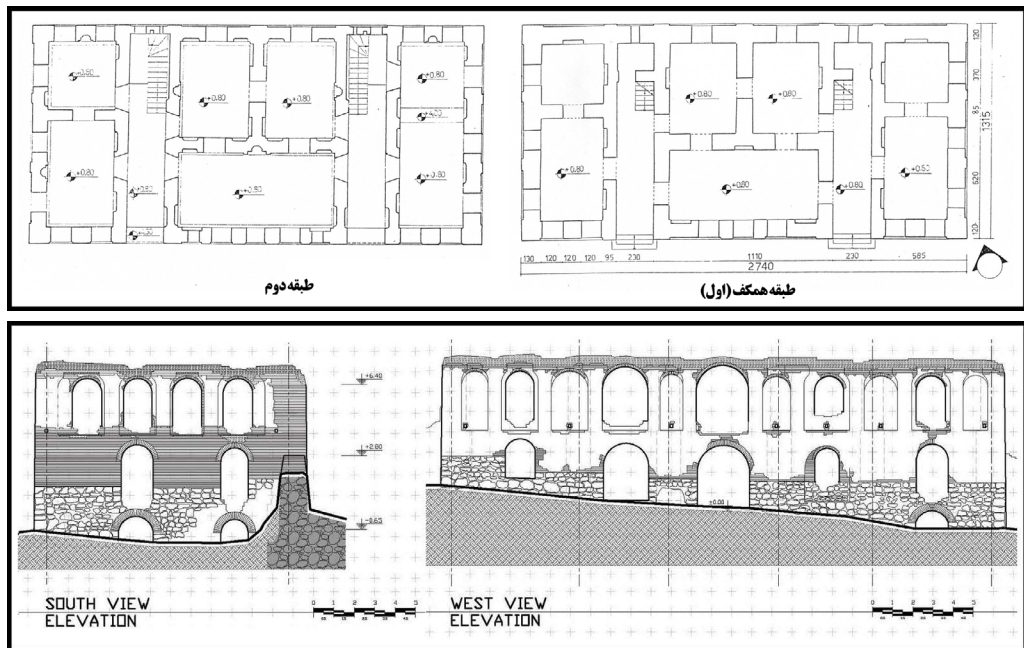
برخورد با طبیعت و چگونگی ساخت بناهایی برای زندگی، برخوردی است که هر انسانی در نقاط مختلف کره زمین [و در ادوار مختلف] داشته و خواهد داشت. چگونگی برخورد با مسائل اقلیمی، آب و هوا و... چگونگی برخورد با ناامنی‌های به وجود آمده از طرف انسان‌های دیگر، نمونه‌هایی از این نوع برخوردها هستند و راه‌حل‌های ارائه شده، نشان‌دهنده فایق شدن او به صورت کامل یا ناقص بر این عوامل است. هریک از نقاط ایران دارای ویژگی‌های منطقه خود بوده که تأثیرات مهمی در چگونگی شکل‌گیری در نحوه ساخت بناها ایجاد کرده است؛ از جمله دامنه کوه‌ها در نقاط مختلف ایران، محل‌های مناسبی جهت اسکان بوده‌اند و تعداد زیادی از شهرها و روستاها در این‌گونه از مناطق قرار گرفته‌اند که در مقیاسی کوچک‌تر، بنا با مجموعه‌ای از بناهای دیگر، تشکیل آبدادی و با بناهای بیشتر، تشکیل روستاها و در مقیاسی بالاتر، تشکیل شهرها را داده‌اند. این روستاها در رابطه مستقیم با محل مورد کشت و تولید محصولات خود قرار گرفته‌اند؛ بدین ترتیب، هر خانه می‌تواند معمولاً با باغ‌ها و محل زراعت خود در رابطه مستقیم باشد و یا اینکه مجموعه‌ای از آن‌ها در کنار هم قرار گیرند و محل کشت و زراعت از آن‌ها کمی دورتر باشد و عامل انسجام این قطعات و این عناصر میسر شود (معماریان، ۱۳۷۱: و-ط). روستای ورکانه و دو بنای اربابی آن از چنین خصیصه محیطی تبعیت کرده و قابل قیاس با برخی از روستاها و بناهای اربابی مشابه در سایر نقاط ایران است که از آن جمله می‌توان به مجموعه بناهای اربابی قراول‌خانه (عمارت، خانه، اصطبل، آب‌انبار و...) با ۱۳۰ سال قدمت در روستای «آق‌اولر»^۲ از دهستان کوهستانی «تالش» در بخش مرکزی شهرستان تالش، استان گیلان اشاره کرد (خدابخش، ۱۳۸۶: ۱۰)، (شکل ۱۱۸ و ۱۹).

بنای اربابی آق‌اولر توسط «نصرت‌الله خان عمیدالسلطنه»، مشهور به «سردار امجد» از آخرین بازماندگان خاندان «مرداویچ‌وند» که تا اواخر دوره زندیه حکام «گسکر» تالش بودند، ساخته شده است. سردار امجد که خود فرزند «فرج‌الله خان سرتیپ» است، از سال ۱۲۵۳ تا ۱۲۸۶ ه.ش. حاکم مطلق تالش بوده است. سردار امجد روابط حسنه‌ای با دربار قاجار داشته، به طوری که در مسیر سفر دوم «مظفرالدین شاه» قاجار به اروپا در سال ۱۲۸۱ ه.ش.، سردار امجد میزبان وی در کرگان رود بوده است (همان: ۳۹-۳۸). مجموعه بناهای آق‌اولر در واقع حاکم‌نشین بوده و در فصل تابستان و بیلاقی مورد استفاده بوده‌اند. بنای شمالی مجموعه، مسکونی و بنای جنوبی، اصطبل بوده است (همان: ۴۲-۴۰).

بنای اربابی مستطیل‌شکل آق‌اولر در سه اشکفت و در مساحتی بالغ بر ۸۴۰ مترمربع بنا شده است. طبقه زیرین همکف ۹۴، طبقه همکف ۳۷۵ و طبقه اول ۳۷۱ مترمربع وسعت دارند. طول بنا که در جهت شمالی-جنوبی امتداد دارد، ۲۸ متر و عرض شرقی-غربی آن ۱۳ متر است (تصاویر ۱۸ و ۱۹). فضاهای معماری بنا در مجموع از ۱۸ فضای مستقل تشکیل شده است که در ارتباطی تودرتو و در طول بنا قرار گرفته‌اند. سه فضا در طبقه زیرین همکف، ۸ فضا در طبقه همکف و ۷ فضا در طبقه اول جای دارند. از این فضاها، ۷ فضای بزرگ بنا، فضاهای اصلی عملکردی محسوب می‌شوند، ۶ فضا با مساحت نسبتاً بزرگ به فضاهای ارتباطی و ۵ فضا به عملکردهای فرعی‌تر اختصاص دارند. بنا دارای یک ورودی اصلی در نمای شرقی و یک ورودی اصلی در نمای غربی، در طبقه همکف است که در محور میانی بنا واقع شده‌اند و هر دو به یک دالان مرکزی با مساحت ۴۷ مترمربع راه دارند (تصویر ۱۹). از این دالان، می‌توان به فضاهای طبقه همکف و همین‌طور از طریق دو راه‌پله‌ای که در شمال و جنوب این دالان قرار دارند، به طبقه اول راه یافت. برای ساخت تمام بازشوها و تاقچه‌ها، از تاق‌هایی با قوس نیم‌دایره‌ای (رومی‌وار) استفاده شده است. فضاهای طبقه فوقانی با ارتفاع بیشتر، تابستان‌نشین و فضاهای طبقه همکف با ارتفاعی حدود نیم‌متر کمتر از طبقه فوقانی، زمستان‌نشین بوده‌اند (همان: ۷۰). همانند بنای خانه اربابی ورکانه، سقف بنا با



تصویر ۱۸. تصاویر نماهای مختلف معماری مجموعه اربابی قراول خانۀ آق اولر تالش (خدابخش، ۱۳۸۶).



تصویر ۱۹. نقشه و نماهای مختلف معماری اربابی قراول خانۀ آق اولر تالش (ترسیم: رزازی، ۱۳۷۷ در: خدابخش، ۱۳۸۶).

تیرهای چوبی پوشیده شده که این تیرها به صورت عرضی و با فاصله تقریبی محور تا محور ۷۰ تا ۷۵ سانتی متر از یکدیگر، در طول دهانه چیده شده‌اند. این تیرها تا عمق تقریبی ۵۰ سانتی متری داخل دیوارها نشیمن‌گاه داشته‌اند (همان: ۷۶).

هر دو اثر تاریخی مجموعه اربابی قراگوزلو در روستای ورکانۀ همدان و قراول خانۀ آق اولر در تالش، به لحاظ زمانی متعلق به یک بازۀ زمانی بوده‌اند و از یک سنت معماری برون‌گرا و از نوع معماری حاکمیتی روستایی (ارباب‌رعیتی) مشابه در جهت بهره‌مندی از قابلیت‌های منطقه‌ای روستایی و

استفاده از مراتع طبیعی بکر و تولیدات کشاورزی، همچنین در تأمین نیازهای حاکمیتی حکومت مرکزی و نیز کنترل و نظارت هرچه بهتر بر مناطق حاشیه‌ای پیروی کرده‌اند، اما به لحاظ ساختار کالبدی و ترکیب عناصر تشکیل دهنده، دارای وجوه افتراق و تمایز متعددی هستند که در ادامه به موارد چندی از آن اشاره می‌شود.

اشتراک: هر دو اثر تاریخی، در زمره مجموعه‌های اربابی روستایی تحت نظارت حکومت مرکزی بوده که در ساخت هر دو بنا، شیوه بر اصل محرمیت و در انتظار نگهداشتن ورودکنندگان با استفاده از پیشخوان و فضاهایی جداکننده بوده است. در شیوه ساخت هر دو بنا، از مصالح سنگ به عنوان مهم‌ترین مصالح مقاوم و قابل دسترس در ساخت دیواره‌های قطور (با ترکیبی از آجر در بنای اصطبل اسب و ورخانه و خانه اربابی آق‌اولر) با قوس‌های نیم‌دایره‌ای و تیرپوش در طبقات مختلف استفاده شده است. به کارگیری مصالح سبک‌تر و پوشش سقف چوبی با یک شیوه یک‌سان و هم‌گون از وجوه اشتراک است. کارکرد فضاهای طبقه همکف، اغلب در هر دو بنا، زمستان‌نشین و در مواردی نیز انجام امور خدماتی و انباری بوده و طبقه فوقانی بیشتر دارای کارکرد مسکونی و تابستان‌نشین و پذیرایی بوده است. عناصری چون پنجره‌های متعدد در چهار طرف هر دو بنا، نقش تأثیرگذاری در تأمین روشنایی فضاهای داخلی را داشته و قوس‌ها در نماهای هر دو مجموعه اربابی، کاربرد استحکامی و تزئینی داشته‌اند. ترکیب عناصر کالبدی در مجموعه بنای اربابی ورخانه و آق‌اولر، تا حدودی بر اسلوب قرینه‌سازی فضاها استوار است؛ به گونه‌ای که در یک نگاه جامع در بنا، بیننده به سرعت در می‌یابد که اتاق‌های سه‌دُری در هر دو مجموعه تکرار شده‌اند و درها و واشوها در مقابل هم قرار دارند (ر. ک. به: تصاویر ۵ و ۱۹). در هر دو مجموعه، تالارها در طرفین نقش اساسی در تقسیم فضاها و ایجاد تفاوت در ابعاد مقیاسی آن‌ها ایجاد کرده‌اند. وجوه اشتراک عناصر و اجزای هر دو مجموعه اربابی، بیان‌گر تداوم سنت‌های معماری برآمده از دوره قاجار است؛ استفاده از قوس نیم‌دایره‌ای (رومی‌وار که از ویژگی‌های اصلی معماری این دوره به شمار می‌آید)، خود نشانه‌ای از سبک معماری قاجار است. در تمام فضاها استفاده از اصل تقارن طولی و عرضی در نماها و در نقشه به وضوح قابل تشخیص است. هر دو بنا از منظر زیست‌محیطی و مکان‌یابی منطقی و منطقه‌ای، در مناطق حاشیه‌ای به جهت بهره‌مندی و کنترل هرچه بیشتر اقوام مختلف با حاکمیت فئودالی تحت نظارت حکومت مرکزی و سلطنتی قرار دارند که از وجود روابط و تحولات اجتماعی ارباب-رعیتی عصر قاجار و پس از آن حکایت می‌کند و با توجه به حضور اصطبل در هر دو مجموعه و با توجه به قرارگیری در مناطقی بکر و حاصل‌خیز، به منظور استفاده بهینه از قابلیت‌های طبیعی مراتع کشاورزی و کوهستانی در جهت پرورش اسب حکومت مرکزی بوده است.

تمایز و افتراق: مهم‌ترین و بزرگ‌ترین وجه تفاوت این دو بنا با یکدیگر، در نوع سبک معماری و به کارگیری مصالح آن‌هاست. بنای اربابی آق‌اولر با اندام‌های معماری متفاوت و در سه طبقه طراحی گردیده و بنای خانه اربابی ورخانه در دو طبقه، از یکدیگر متمایز گردیده‌اند. بنای اربابی آق‌اولر با نقشه مستطیل (تصویر ۱۹) و بنای اربابی ورخانه با نقشه نیم‌چلیپایی (تصویر ۵) با پردازش شکوه‌آمیز و عظمت‌بخشی در اجزا صورت پذیرفته است، همچنین مجموعه اربابی ورخانه، فاقد حصار و برج است، چراکه با توجه به قرارگیری این مجموعه در دامنه میان‌کوهی و کوهستانی بودن منطقه، به نوعی از حصار و امکانات دفاعی طبیعی بهره‌مند بوده، اما مجموعه آق‌اولر در منطقه‌ای فاقد این راهبرد طبیعی، محصور در حصار و دارای برج حفاظتی بوده است.

از نظر کاربرد مصالح، تفاوت‌های بارزی در مجموعه بنای اربابی آق‌اولر و مجموعه اربابی ورخانه وجود دارد؛ در مجموعه اربابی ورخانه، مصالح عمده را سنگ به خود اختصاص داده است (که دلایل آن پیش‌تر ذکر گردید)، اما در مجموعه آق‌اولر تالش از مصالح سنگ و آجر به یک میزان استفاده شده است؛ مصالح سنگ در پی و طبقه اول به جهت استحکام آن، و آجر در طبقات دوم به جهت

سبک بودن به‌کاررفته است. نکته قابل توجه در مصالح سنگ هر دو مجموعه این است که مصالح سنگ به‌کاررفته در مجموعه اربابی ورکانه از نوع سنگ‌های رسوبی هستند که به صورت طبیعی ورقه‌ورقه بوده (و خصیصه ظاهری شبیه به آجر داشته) و نیازی به صرف انرژی جهت تراش آن نبوده و معماران سازنده به راحتی می‌توانسته‌اند از آن در چینش دیوار و حتی قوس‌های نیم‌دایره‌ای استفاده کنند که از این خصیصه، به راحتی در ساخت و ایجاد قوس‌های مختلف این مجموعه استفاده شده است (تصاویر ۶ تا ۱۰). اما در نوع مصالح سنگ به‌کاررفته در مجموعه آق اولر تالش، این خصیصه به چشم نمی‌خورد و سنگ‌های آن از نوع سنگ‌های قله‌سنگی و رودخانه‌ای است که دارای نشستگاه‌های مناسبی در چینش نبوده و نیاز به تراش دادن سنگ‌ها داشته و بنابراین شاید استفاده از آجر مقرون به صرفه‌تر و راه مناسب‌تری برای سازندگان آن بوده است (تصویر ۱۸). در بنای اربابی آق اولر تأکید بر ارتفاع بوده و در عین دارا بودن ارتفاع بلند بیرونی با تزئینات خاص ایوانی شکل، تمامی جلوه‌های زیبایی بر تزئینات آجرنماها، واشوها و پنجره‌هایی رنگی با پوشش سفید در نما متمرکز شده است. توجیه این نکته در بنای اربابی آق اولر به دلیل قرارگیری آن در یک محیط باز بوده که می‌توانسته نمایی زیبا را القاء کند، اما بنای اربابی ورکانه با توجه به محصور بودن در بین درختان و باغ از این ویژگی و قاعده مستثنی بوده است. از دیگر نمونه‌های افتراق بین دو بنا، راه‌پله و راه‌های دسترسی به طبقات فوقانی بناهاست که در خانه اربابی ورکانه، از راه‌پله دوطرفه قرینه در خارج از بنا و جزئی از نمای آن (تصاویر ۵ و ۶)، و در خانه اربابی آق اولر از راه‌پله یک طرف اما قرینه و در دو سوی طولی و داخل بنا استفاده شده است (تصویر ۱۹).

نتیجه‌گیری

حفاظت و نگهداری از بناها، خصوصاً بناهای تاریخی، از اقداماتی مهمی است که می‌توان در قبال آثار ارزشمند نیاکان گذشته صورت داد. آنجاکه نتوان به خوبی از بنا نگهداری کرد و یا استفاده از آن را استمرار بخشید، به طور حتم چرخه حیات بنا مختل شده و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بدان وارد می‌شود. در این شرایط، عوامل طبیعی و انسانی همواره بر بنا تأثیر گذاشته و بدان آسیب وارد می‌کنند؛ چراکه آسیب‌های وارد آمده بر بنا، چهره‌ای نامأنوس به آن می‌بخشد و امکان بهره‌برداری و حتی نگهداری از آن را دشوار و دچار مشکل می‌سازد. امروزه هستند بناهای تاریخی که چرخه حیاتی آن‌ها به جهت بی‌توجهی‌ها، فرسوده و تخریب شده‌اند. مجموعه بناهای تاریخی ورکانه، از جمله آثار ارزشمند به‌جامانده از دوره قاجار است که از این نوع بی‌توجهی‌ها مصون نمانده و در معرض تخریب قرار دارد. این مجموعه را می‌توان در زمره آثار اربابی مناطق روستایی دانست که از سوی حکومت مرکزی، مسئول کنترل و نظارت بر فئودال‌ها و بهره‌وری از قابلیت‌های کشاورزی و طبیعی در جهت برطرف ساختن نیازهای دربار بوده است. مجموعه اربابی ورکانه در واقع از جمله بناهای حاکم‌نشین محلی بوده که اداره آن تحت نظر خاندان قراگوزلو صورت می‌گرفته و همچنین برای سکنی‌گزینی بیلاقی عشایر در فصل بهار و تابستان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. چنان‌که از کاربری چنین مجموعه‌های روستایی برمی‌آید، یکی از عملکردهای این نوع مجموعه‌ها، اخذ عوارض و کنترل تردد بین جلگه و کوهستان ایلات و عشایر نیز بوده است. خانه اربابی ورکانه با مصالح سنگ و نقشه نیم‌چلیپایی از بناهای منحصر به فرد است که با شیوه معماری برون‌گرا و فضاهای اندرونی شکل یافته و در بین توده انبوه درختان گردو و صنوبر محصور شده است. از ویژگی‌های بنای سنگی خانه اربابی، برخورداری و استفاده متفکرانه و خلاق بهینه از قابلیت‌های محلی و بومی بوده است تا بتواند بر آب‌وهوای سرد کوهستانی فائق آید. اصطبل اربابی نیز با چنین رویکرد، ویژگی و تفکر هوشمندانه‌ای در انتخاب محل، در یک دره بن‌بست ساخته شده که به دلیل عدم حضور مدارک مکتوب، نمی‌توان به دقت تاریخ ساخت هر دو بنای این مجموعه را

مشخص کرد که آیا هم‌زمان ساخته شده‌اند و یا تقدم و تأخر در ساخت‌شان وجود داشته است، اما آنچه که مشخص است، این است که هر دو بنا متعلق به دوره قاجار (خانه اربابی اوایل قاجار و اصطبل اربابی با کمی تأخیر در ساخت متعلق به اواخر قاجار و یا نهایتاً اوایل پهلوی) بوده که از یک سنت و شیوه معماری یک‌سان پیروی کرده است. با توجه به تجزیه و تحلیل سبک‌شناسی معماری صورت‌گرفته در مجموعه اربابی ورکانه، این مجموعه قابل‌قیاس با مجموعه آق‌اولر در تالش است که به تفصیل بدان پرداخته شد. ساخت چنین مجموعه‌هایی در دوره قاجار، در نقاط مختلف ایران با تفاوت‌ها و اشتراک‌های مشخص و معینی به چشم می‌خورد. هر دو مجموعه اربابی ورکانه و آق‌اولر، دارای یک خانه اربابی و یک اصطبل پرورش اسب بوده‌اند که با حمایت‌های انجمن سلطنتی ساخته شده‌اند. به نظر می‌رسد توجه به ساخت چنین مجموعه‌های محلی و روستایی در نقاط مختلف ایران پس از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ و ملی شدن آب‌ها و اراضی و رشد نسبتاً وسیع روستاها بین رعایا، از سوی حکومت مرکزی جایگاه ویژه‌ای یافته و بدان توجه وافر جهت تسلط، نظارت و کنترل حکومتی شده است.

پی‌نوشت

۱. مقاله حاضر، مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم فاطمه باباعلی‌پور با عنوان: «گونه‌شناسی و تحلیل معماری بناهای خاندان قراگزلو در استان همدان» (به‌راهنمایی دکتر محمدابراهیم زارعی) که در دانشگاه بوعلی‌سینا نگارش و دفاع شده است.
۲. خانه‌های سفید.

کتابنامه

- آقامحمدی، مهدی و شرفی، حسین (۱۳۹۰). *تحلیل برپراکنندگی جغرافیایی ایلات و عشایر استان همدان*. با مقدمه‌ی عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، تهران: نشر قومس.
- اذکایی، پرویز (۱۳۶۶). «قراگزلوهای همدان» (قسمت نخست)، *مجله آینده*، سال سیزدهم، شماره ۴ و ۵: ۲۴۶-۲۲۸.
- اذکایی، پرویز (۱۳۶۷ الف). «قراگزلوهای همدان، خاندان امیرافخم شورینی» (قسمت دوم). *مجله آینده*، سال چهاردهم، شماره ۶ تا ۸: ۲۷۸-۲۶۵.
- اذکایی، پرویز (۱۳۶۷ ب). «قراگزلوهای همدان، خاندان بهاء‌الملک آبشینی» (قسمت سوم). *مجله آینده*، سال چهاردهم، شماره ۹ تا ۱۲: ۶۱۷-۶۰۰.
- اذکایی، پرویز (۱۳۸۰). *همدان‌نامه* (بیست گفتار درباره مادستان)، همدان: نشر مادستان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۲). «طرح بهسازی بافت باارزش روستای ورکانه». گزارش مرحله اول، مطالعات سطح شناخت، دفتر مطالعات منطقه‌ای بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آرشیو (منتشر نشده).
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی (بی‌تا). «ورکانه یادگاری از گذشته، میراثی برای آینده» (مروری بر فعالیت‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در بهسازی بافت با ارزش روستای ورکانه). طراحی و اجرای کانون تبلیغاتی گل یاس (کتابخانه ادراه کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان).
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۶). *سبک‌شناسی معماری ایرانی*. تدوین: غلامحسین معماریان. چاپ پنجم، تهران: انتشارات سروش دانش.
- چایانی، جمشید (۱۳۹۰). *کبودرهنگ در گذر تاریخ، کبودرهنگ*. نشر جام جمشید، چاپ اول.

- خدابخش، آرش (۱۳۸۶). «مستندنگاری بنای قراول‌خانه از مجموعه آق‌اولر تالش». آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان (رشت)، (منتشر نشده).
- دفتر فنی معاونت میراث فرهنگی (۱۳۷۸). «گزارش مجموعه آق‌اولر تالش». آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، (منتشر نشده).
- زنده‌دل، حسین و دستیاران (۱۳۸۶). راهنمای گردشگری روستاهای ایران (۲). از مجموعه راهنمای گردشگری روستاهای ایران، تهران: نشر کاروان جهانگردان-ایرانگردان.
- ساریخانی، مجید (۱۳۸۲). بررسی باستان‌شناختی، معماری و شهرسازی شهرستان ملایر در دوره قاجار. ملایر: انتشارات علم‌گستر.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۰). فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور، شهرستان همدان. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- سازمان مدیریت (۱۳۸۴). سالنامه آماری استان همدان. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان، همدان: معاونت آمار و اطلاعات، چاپخانه فردوسی.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۲). فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران. تهران: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- صابری همدانی، احمد (۱۳۸۲). تاریخ مفصل همدان (ج. ۱، ۲ و ۳). قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی شاکر.
- عین‌السلطنه (سالور)، قهرمان میرزا، ۱۳۲۴-۱۲۵۰ (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه (روزگار پادشاهی سلسله پهلوی)، ج ۱ تا ۱۰. به‌کوشش: مسعود سالور و ایرج افشار، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ناشر: اساطیر.
- قراگوزلو، غلامحسین (۱۳۸۸). هگمتانه تا همدان (سرگذشت قرن‌ها در قدیم‌ترین شهر ما). همدان: انتشارات اقبال، چاپ سوم.
- کیانی، مصطفی (۱۳۸۶). معماری دوره پهلوی اول، دگرگونی اندیشه پیدایش و شکل‌گیری معماری بیست‌ساله معاصر ایران ۱۳۲۰-۱۲۹۹. چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- محمدی، خسرو (۱۳۹۱). «معرفی خانه اربابی منسوب به خاندان قراگوزلو در همدان». وقف میراث جاویدان. سال بیستم، بهار و تابستان، شماره ۷۷ و ۷۸: ۱۱۳-۱۰۷.
- محمدی، خسرو (۱۳۹۳). «کتابخانه وقفی اعتمادیه همدان». وقف میراث جاویدان. سال بیست و دوم، پاییز ۱۳۹۳، شماره ۸۷: ۸۶-۷۱.
- معاریان، غلامحسین (۱۳۷۱). آشنایی با معماری مسکونی ایران (گونه‌شناسی برون‌گرا). تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- منابع طبیعی و آبخیزداری استان همدان (۱۳۸۹). سیمای منابع طبیعی و آبخیزداری استان همدان (کتابچه). همدان: وزارت جهاد کشاورزی، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان همدان.